

سالمندی، از کارافتادگی نیست

حتماً همه شما روزهای ابتدایی همه‌گیری کرونا به‌خاطر دارید؛ وقتی که وحشت مرگ بر اثر سرایت بیماری همه را فراگرفته بود این جمله بسیار تکرار می‌شد: "نگران نباشید. کرونا فقط از سالمندان و دارندگان بیماری زمینه‌ای قربانی می‌گیرد." در این میان کمتر کسی حواسش بود که چنین حرفی چه بلایی بر سر روحیه سالمندان خواهد آورد.

اگرچه مدتی بعد از فراگیری بیشتر بیماری، کرونا واقعیت ترسناک خود را شدیدتر عیان کرد و با مرگ عده زیادی از جوان‌ترها بدون هیچ سابقه بیماری نشان داد جامعه هدف خاصی ندارد و به رغم خطر بیشتر برای سالمندان، سن کم چندان هم امنیت نمی‌آورد. اما این روند نیز تأثیری در بهبود روحیه سالمندان نداشت. سرعت رشد سرسام‌آور بیماری و غافلگیری حکومت‌ها و محدودیت منابع انسانی و ابزاری پزشکی موجب شد برخی دولت‌ها برای درمان بیماران مجبور به انتخاب شوند. این اجبار در انتخاب جوامع را با این سوال مواجه کرد که کدام یک از گروه‌های انسانی صلاحیت بیشتری برای دریافت خدمات پزشکی دارند. در پاسخ به این سوال عده‌ای زمان مراجعه به مراکز درمانی را ملاک دانستند و بخشی دیگر سن مراجعه‌کنندگان را. گروه اول اولویت با کسانی می‌دانستند که زودتر آمده‌اند و گروه دوم فقط جوان‌ها و میان‌سال‌ها را مستحق دریافت خدمات پزشکی می‌دانستند. با وجود این گمانه‌ها در نهایت این مسن‌ترها بودند که در بسیاری از جوامع از اولویت‌های درمانی کنار گذاشته شده و به حال خودشان رها شدند. به‌طوری‌که واشنگتن پست در یکی از مقالات خود نوشت: همه‌گیری کرونا واقعیت دردناکی را برملا کرد؛ آمریکا به سالمندان خود اهمیتی نمی‌دهد.^۱

درست است که آسیب‌پذیرتر بودن موجب می‌شود در آمار کشته‌شدگان درصد سالمندان نسبت به جوان‌ترها بیشتر باشد اما شواهد نشان می‌دهد بخش زیادی از این آمار نیز ناشی از رهاکردن سالمندان و نرساندن خدمات درمانی به آن‌ها است. شرلی داین مدیر یکی از مراکز نگهداری از سالمندان در بروکسل می‌گوید پس از سرایت کرونا به مرکزشان و آلوده شدن چندتن از سالمندان، به مراکز درمانی التماس کرده که به کمکشان بیایند اما آن‌ها گفته‌اند که به بیماران مورفین بده تا در آرامش بمیرند. یکی هم در جواب گفته برایشان دعا کن و در نهایت نه فقط بخش زیادی از سالمندان مقیم آنجا بلکه حتی بخشی از کادر کمکی نیز در تنهایی درگذشته‌اند.^۲ کارمندان یک خانه سالمندان سوئدی نیز همین تجربه را به بی‌بی‌سی گزارش داده‌اند و اعلام کردند که به آن‌ها دستگاه تنفس داده نشده و مرگ با مرفین تجویز شده است.^۳ از ایتالیا^۴، اسپانیا^۵ و بسیاری کشورهای اروپایی و

^۱. https://www.washingtonpost.com/outlook/nursing-home-coronavirus-discrimination-elderly-deaths/2020/05/07/751fc464-8fb7-11ea-9e23-6914ee410a5f_story.html?outputType=amp

^۲. <https://m.bdnews24.com/amp/en/detail/world/1789131>

^۳. <https://www.dailysabah.com/world/europe/sweden-leaving-elder-covid19-patients-to-die-care-worker-says/amp>

^۴. <https://www.telegraph.co.uk/news/2020/03/14/italians-80-will-left-die-country-overwhelmed-coronavirus/amp/>

^۵. <https://m.thewire.in/article/world/coronavirus-how-spain-left-its-elderly-to-die/amp>

آمریکایی دیگر نیز همین شواهد مشابه گزارش شده است؛ درحالی که بسیاری از این کشورها در رتبه‌بندی نظام‌های سلامت در دنیا از پیشرفته‌ترین‌ها هستند. این محدودیت‌های پزشکی و امکانات برای سالمندان موجب شد در برخی مراکز نگهداری، کارکنان خود مرکز نیز فرار کرده و افراد سالخورده به حال خود رها کنند.

این ماجرا سابقه دارد

اگرچه همه‌گیری کرونا یک غافلگیری بزرگ است و طبیعی است که دولت‌ها را در نگهداری از بیماران دچار چالش کند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد این قبیل بی‌توجهی‌ها به سالمندان محدود به ایام همه‌گیری نیست و این همان روند قبلی بوده که حالا در بحران فقط تشدید شده است. طبق گزارش نیویورک تایمز مشکلات مراکز نگهداری از سالمندان و کمبود امکانات آن‌ها سال‌ها سابقه دارد و همین آن‌ها در برابر کرونا آسیب‌پذیرتر کرد.^۶ ایزیکل ایمانوئل، یک پزشک آمریکایی در اتلانتیک نوشته است که در کشورش مراقبت‌های آخر عمر هزینه‌های بسیار بالایی دارد و برای مراقبت در خانه نیز هیچ کمکی صورت نمی‌گیرد و این مراقبت‌های گران بی‌فایده اغلب به مرگ دردناک سالمندان منجر می‌شود.^۷

ریشه این نوع مواجهه با سالمندان را باید در جهان‌بینی حاکم بر دولت‌ها پیگیری کرد. نظام سرمایه‌داری لیبرال انسان را موجودی اقتصادی می‌فهمد که ابزار تولید است. البته بر مبنای آموزه‌های لیبرال نفع شخصی انسان و آزادی فردی او محترم است اما همین نفع و احترام در نسبت با بهره‌مندی مادی او و نقش او در نظام سرمایه معنا می‌یابد. در چنین تفکری انسان تا زمانی که می‌تواند در خدمت نظام توسعه باشد که توان مشارکت اقتصادی در جامعه داشته باشد. چنین انسانی با از دست دادن نیروی جوانی خود کم‌کم نقش فعال خود را در چرخه اقتصاد از دست داده و تبدیل به یک عنصر مصرف‌کننده می‌شود. یعنی انسان سالمند در واقع انسان از "کار افتاده" است. در چنین شرایطی پیداست که کدام دسته از انسان‌ها در جامعه حق حیات و بهره‌مندی بیشتر از منابع را دارند و کدام انسان‌ها تبدیل به شهروندان درجه دوم می‌شوند. اگرچه این دسته‌بندی قانون نوشته شده نباشد اما ثمره‌ای است که این نوع زندگی حتماً با خود به همراه خواهد آورد و در شرایط بحران علنی خواهد شد. به‌علاوه خود انسان نیز در چنین نظامی ملاک انتخابش سودانگاران خواهد بود. آدام اسمیت، که از او به‌عنوان پدر علم اقتصاد مدرن یاد می‌شود، در معروف‌ترین اثر خود، «ثروت ملل»، انگیزه خودخواهی و نفع طلبی شخصی را مهم‌ترین انگیزه فعالیت‌های انسانی می‌داند که قاعده‌ای عام و جهان‌شمول است. حتی قواعد اخلاقی و رفتارهای همدردانه و نوع‌دوستانه نیز در نهایت به هدف تعقیب منافع شخصی انجام می‌شود و جایی که با سود شخصی در تعارض باشد کنار گذاشته خواهد شد. همین فایده‌گرایی مادی است که در درجه اول اخلاق راستین و عواطف انسانی را تهی از معنا کرده و چهره‌ای وحشی را برای جوامع معتقد به سرمایه‌داری لیبرال رقم می‌زند.^۸

کرامت انسانی، محور جهان‌بینی الهی

تلقی تماماً اقتصادی از کارکرد انسان و تاکید بر منفعت‌طلبی در رفتارهای انسانی ریشه در خداشناسی طبیعی (مکتب دئیسم) دارد که پس از تحول صنعتی اروپا رواج یافت. بر اساس باورهای این مکتب انسان با اتکا به عقل خود از تعالیم آسمانی بی‌نیاز است و عقل انسانی نیز او را به سمت منفعت شخصی و منافع اقتصادی سوق می‌دهد.

جهان‌بینی اسلامی نقطه مقابل این اندیشه است. این جهان‌بینی اصولی دارد که اولین آن توحید است. توحید، یعنی اعتقاد به این که تمام عالم امکان ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این اعتقاد امری است که هر ذهن سالم و هر انسان عاقل و صاحب تفکر و رها از پیش‌داوری آن را می‌پذیرد. به‌علاوه این که این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بینهایت و توصیف‌ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، بت ساخته بشر، یا انسان محدود مدّعی خدایی، یا سمبل و نماد افسانه‌ای و اسطوره‌ای نیست؛ بلکه ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا»

^۶. <https://www.nytimes.com/2020/08/08/world/europe/coronavirus-nursing-homes-elderly.html>

^۷. <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/01/we-protected-my-terminally-ill-father-system/604312/>

^۸. رک. سیدعلی خامنه‌ای، ۹۹/۱/۲۱، بیانات در دیدار با ستاد ملی کرونا

می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند. بنابراین، توحید شامل اثبات این قدرت و اراده و مهندسی پشت سر این هندسه عظیم و پیچیده است و اثبات این که آن مهندس بی‌نظیر و غیرقابل توصیف، انسانی یا تخیلی و از قبیل امور زائل‌شدنی نیست.^۹

دومین اصل از اصول اساسی جهان‌بینی اسلامی "تکریم انسان" است. بر این مبنا تمام آفرینش بر محور وجود انسان می‌چرخد. یعنی انسان بالقوه طوری آفریده شده که همه کائنات را در دست خود گرفته تا از همه آنها به بهترین نحو استفاده کند. این نشاندهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد.^{۱۰} آنچه در این باور مورد تکریم قرار می‌گیرد نوع انسان است که ملاک ارزشمندی‌اش در میزان باور و عملش به توحید است و با کیفیت عبودیتش سنجیده می‌شود نه نقشی که در شبکه تولید دارد. اگرچه که توحید وظیفه اجتماعی نیز بر گرده مومنانش می‌نهد اما این وظیفه محدود به دوره زمانی خاصی نیست و چنین نیست که با تحلیل قوای بدنی امکان انجام دادنش نباشد. در واقع کارکرد انسان فقط بدنی نیست در دوران پیری از کارافتاده محسوب شود. از این رو کسی حق ندارد به بهانه سالخوردگی و از کار افتادگی کرامت کس دیگر را زیر سوال ببرد یا حق حیات او را به رسمیت نشناسد.

این تقابل در جهان‌بینی می‌تواند معیار دقیقی برای اندازه‌گیری میزان حقیقی بودن انسان‌باوری مکاتب باشد و بتواند بهتر به این سوال پاسخ دهد که کدام مکتب برای نوع و فرد انسان ارزش بیشتری قائل است.

۹. رک. سیدعلی خامنه‌ای، ۷۹/۹/۱۲، بیانات در دیدار با هیئت دولت

۱۰. همان